

## ورزش از دیدگاه مکتب فرانکفورت

رابطه ورزش فرهنگ، تجارت، صنعت، سیاست و ایدئولوژی

در جامعه کنونی و در زمانه ما، ورزش دیگر تنها به عنوان یک فعالیت جسمی و یا ذهنی مطرح نیست، بلکه یک سری عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی فراوان همراه و در پس آن به صورت نهفته، وجود دارد. مکتب فرانکفورت، با دیدی مادی‌گرایانه به مطالعه و بررسی فرهنگ عامه پرداخت که ارزش و اهمیت آن را از فرهنگ اشرافی و نخبگان جامعه بالاتر می‌داند. رهبران این مکتب همانند مکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، هربرت مارکوزه، والتر بنیامین و... با بررسی و مطالعه جنبه‌های هنری مختلف و برگرفته از فرهنگ عامه، همانند موسیقی پاپ، سعی در شناخت بهتر جامعه، فرهنگ و روابط پنهان بین آن‌ها را داشتند. آن‌ها همچنین ریشه فرهنگ عوامانه را در مناسبات مادی و اقتصادی می‌دیدند. مکتب فرانکفورت همچنین زمینه را برای دیگر مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناختی در قرن‌های بیستم و بیست و یکم فراهم آورد که نمونه آن مادی‌گرایی فرهنگی است که نقش بسیار مهمی را در مطالعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امریکایی و اروپایی امروز برعهده دارد. مقاله حاضر خوانشی از ورزش جهان با توجه به دیدگاه‌های مکتب فرانکفورت است.

### اندیشه

#### رابطه بین ورزش (فرهنگ)، تجارت، صنعت، سیاست و ایدئولوژی

در جامعه امروزی، ورزش دیگر تنها به صورت فعالیت‌های فیزیکی و فکری برای سلامت جسم و ذهن نگریسته نمی‌شود، بلکه در پس آن روابط اقتصادی و سیاسی آشکار و پنهان بسیاری وجود دارد که آن را از هدف اولیه‌اش دور ساخته و ورزش را از فعالیت جسمی و ذهنی محض بسیار فراتر برده است. با توجه به مخاطبان بسیار ورزش‌هایی همچون فوتبال و عامه شدن این ورزش‌ها برای اکثریت افراد جامعه بشری، به نظر می‌رسد که این‌گونه ورزش‌ها از هدف اصلی خود فاصله گرفته و وسیله‌ای در دست گروه‌های سیاسی و حتی برخی از دولت‌ها هستند که نمونه آن نفوذ و نقش مافیای ایتالیا در لیگ سری آ فوتبال آن کشور است. مثال دیگر تیانای داوران مسابقات فوتبال با برخی از تیم‌هاست که گاهی به اقتضاحات داخلی در ورزش آن کشور و یا جهان بدل می‌شود. نمونه بارز آن در نوامبر ۲۰۰۵ با تیانای روبرت هویزر داور آلمانی بود که ثابت شد در ۲۳ شرط‌بندی شرکت کرده بود. در تابستان ۱۳۸۵ شاهد اتفاق عجیبی در بازی نهایی جام جهانی فوتبال ۲۰۰۶ آلمان بودیم. در نیمه دوم بازی، زیدان با سر ضربه محکمی به سینه ماتاراتزی ایتالیایی زد و بلافاصله توسط داور مسابقه اخراج شد. پس از این واقعه حرف و حدیث‌های فراوانی راجع به این حرکت زیدان به گوش رسید. برای مثال روزنامه انگلیسی «سان» The Sun اعلام کرد که ماتاراتزی قبل از عکس‌العمل زیدان او را فرزند تروریسم خوانده است.

این موارد نه تنها در فوتبال، بلکه در ورزش‌هایی دیگر همچون شطرنج از سال‌های نسبتاً دور مرسوم بوده است. در دهه‌های ۶۰ تا ۸۰ میلادی، دوره جنگ سرد بین دو ابرقدرت شرق و غرب، ورزش و از جمله بازی‌های المپیک بازیچه سیاستمداران امریکایی و شوروی سابق بوده است. برای مثال، فینال قهرمانی شطرنج جهان در سال ۱۹۷۲ (اوج جنگ سرد) بین رابرت جیمز فیشر معروف به بای فیشر امریکایی (۲۰۰۸ - ۱۹۴۳) و بوریس اسپاسکی (متولد ۱۹۳۷) اهل شوروی سابق بدل به جنگی تمام‌عیار برای دو ابرقدرت می‌شود، تا جایی‌که امریکایی‌ها پیروزی فیشر را که به حکومت ۴۵ ساله روس‌ها بر شطرنج جهان (از سال ۱۹۲۷) پایان داد، پیروزی سیاسی و مقتدرانه خودشان بر حکومت کمونیستی شوروی سابق و ایدئولوژی‌های حکومتی آنان تلقی کردند و در این زمینه به تبلیغات گسترده

مکتب فرانکفورت به عنوان مکتبی نئومارکسیستی، اجتماعی و فلسفی در سال ۱۹۲۳ توسط فیلسوفی آلمانی به نام ویل در شهر فرانکفورت آلمان تأسیس شد. در ابتدا با نام «مرکز تحقیقات اجتماعی» Institute for Social Research مستقل از دانشگاه گشایش یافت. کارل گونبرگ که یک مارکسیست بود برای نخستین بار مدیر این مرکز می‌شود و سپس مکس هورکهایمر مدیریت آن را به عهده می‌گیرد. این مؤسسه تحقیقاتی، شهرت خود را مدیون جنبش اعتراضی دانشجویی دهه ۱۹۶۰ میلادی است که غیرمستقیم از نظرات مارکس و نگرش انتقادی این مؤسسه (مکتب فرانکفورت) نشأت می‌گرفت. این مرکز، تحقیقات خود را بر پایه بازخوانی بینش مارکس (توجه و تمرکز مارکس بر پایه‌های اقتصادی جامعه و اشاره به این مطلب که آموزش و پرورش، قانون، مناسبات فرهنگی، هنر، فرهنگ، ایدئولوژی‌های فردی و اجتماعی همگی پیامدهای همین ساختار مادی و اقتصادی هستند) و فروید از منظر اجتماعی - فلسفی در جوامع سرمایه‌داری (مثل جامعه آمریکا درحین و پس از جنگ جهانی دوم)، آغاز و گسترش آن را نقد و بررسی می‌کرد. مکتب فرانکفورت اعتقاد داشت که برای فهم زیربنای Base، به جای مطالعه نخبگان و آثارشان باید به شناخت فرهنگ عامه و ارتباط همگانی پرداخت و همچنین بر این عقیده اصرار می‌ورزیدند که پدیده فرهنگ عوام ریشه در مناسبات اقتصادی و مادی دارد. به‌طور کلی مکتب فرانکفورت زاده تأثیرات جامعه سرمایه‌داری آمریکا و پیش از آن نازیسم و فاشیسم در اروپاست.

مکتب فرانکفورت برای نخستین بار تحت تأثیر اصطلاح بیگانه‌سازی کارل مارکس Alienation فرهنگ را با دید مادی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و اعلام می‌کند که تمام بسترهای فرهنگی جامعه، در ارتباط با روابط اقتصادی هستند. پیشگامان این مکتب از جمله آدورنو، بنیامین و هورکهایمر برای پی‌جویی اهداف مطالعاتی خویش به

پرداختند. این مسابقه تاریخی به دلیل همین مسائل حاشیه‌ای به «بازی قرن» شهرت یافت و جالب آن‌که فیشر قبل از شروع این بازی‌ها اعلام کرد که مسابقه بین من و اسپاسکی از مسابقات بوکس بین محمدعلی کلی و جو فریزر مشهورتر خواهد شد. این مسئله همچنین باعث جهانی شدن شطرنج شد، زیرا پس از سال‌ها دنیا قهرمانی غیر روسی به خود دید.

مطلب قابل تأمل دیگر این که امروزه ورزشکاران، مقام‌های قهرمانی کسب شده آن‌ها و همچنین اخلاق و رفتارشان دارای ارزش و اهمیت بسیاری شده است، زیرا این ورزشکاران به عنوان نمایندگان یک کشور حتی در جنبه‌های ملی و سیاسی به حساب می‌آیند. برای مثال درخشش نوجوانان و جوانان ایرانی در رشته‌های والیبال و بسکتبال در سطح جهان و آسیا در سال ۱۳۸۶ سبب افتخار ایران اسلامی می‌شوند که به درستی و شایستگی توسط مردم و مسئولان کشور مورد قدردانی قرار می‌گیرند، زیرا این جوانان و نوجوانان سبب مطرح شدن نام ایران در دنیا می‌شوند، در دوره‌ای که ایران به فعالیت‌های هسته‌ای غیر قانونی متهم می‌شود. مثال دیگر پیروزی غرورآفرین فوتبالیست‌های ایرانی مقابل تیم ملی آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه است که در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران بلافاصله مورد تقدیر و قدردانی قرار می‌گیرند. اما در برخی کشورهای امریکایی و اروپایی قهرمانان خود را تا اندازه ناچیان بشریت بزرگ می‌کنند و فیلم‌ها و حماسه‌ها در مورد آن‌ها خلق می‌کنند. فیلم‌های حماسی آرنولد شوارتزنگر، قهرمان اتریشی‌الصل سابق پرورش اندام جهان، اشاره کرد که در کشور آمریکا در ابتدا به یک هنرپیشه در هالیوود تبدیل و سپس فرماندار ایالت کالیفرنیا می‌شود.

کالاشدگی ورزشکاران نیز وجهی دیگر از سویه پنهان ورزش امروز است که شرکت‌های سودجو در سطح جهان برای فروش کالاهای تجاری خود با مبالغ بسیار بالا از ورزشکاران استفاده می‌کنند. و این حضور ورزشکاران محبوب است که سبب جذب نوجوانان و جوانان به سمت این کالاها می‌شود.

با تبلیغ کالاهای خاص توسط ورزشکاران، این‌گونه وانمود می‌شود که مصرف کالایی خاص برای همه مردم به صورت یکسان و استاندارد شده است. بدین معنی که فرقی بین محصول مصرفی مردم با قهرمانان محبوب‌شان نیست. بدیهی‌ست که این مسئله به عنوان تجویز نوعی ایدئولوژی برای عامه مردم و به‌خصوص جوانان و نوجوانان مطرح است. جوان و یا نوجوان پس از مشاهده قهرمان مورد علاقه‌اش به سوی کالای تبلیغ شده توسط وی می‌رود و بدون هیچ‌گونه فکری تنها قصد خرید آن کالا را دارد. به عبارتی دیگر شخص بدون تفکر دست به خرید می‌زند و تنها به یک ماشین مصرف‌کننده تبدیل می‌شود. از سوی دیگر این موضوع باعث می‌شود که مبالغ هنگفت نصیب رسانه‌ها و یا افراد واسطه شود. آمارهای سال ۲۰۰۶ نشان می‌دهد، درآمد دیوید بکهام فوتبالیست مشهور انگلیسی به‌طور میانگین در هر سال دو برابر دستمزدش در تیم رئال مادرید بوده است. مثال دیگر تبلیغ محصولات آرایشی و بهداشتی خصوصاً تیغ ژیلت Gillette توسط روزه فیدرر، تیری هاتری در کنار دیوید بکهام است. و همچنین کفش نایک Nike که از حضور بزرگان فوتبال برای تبلیغات محصولات خود به‌کرات استفاده کرده و بیش از این نیز با ساخت کفشی ویژه تحت عنوان ایر- جردن Air-Jordan برای ستاره دنیای بسکتبال در دهه ۹۰ میلادی به فروشی چند صد میلیون دلاری دست پیدا می‌کند. به این ترتیب خود ورزشکاران نیز به این مسئله دامن زده‌اند. به بیانی روشن‌تر خود ورزشکاران همچون کالاهایی هستند که به قیمت‌های خیلی گران بین تیم‌های سرشناس به صورت افرادی بی‌اختیار و همچون برده خرید و

بررسی رادیو، تلویزیون، موسیقی و مطبوعات پرداختند. این فعالیت مکتب فرانکفورت (مطالعه فرهنگ و جامعه براساس روابط مادی و اقتصادی پنهان)، مادی‌گرایی فرهنگی Cultural Materialism نامیده می‌شود. برای مثال آن‌ها بر این مبنا اعتقاد داشتند که کاری که یک کارگر در طول روز انجام می‌دهد، کاملاً ماشینی و مکانیکی (از روی عادت) است که فرد را از واقعیت‌های اجتماعی دور نگاه داشته است. به اعتقاد افراد این مکتب، فرهنگ در پروسه‌ای تحت عنوان پروسه صنعت قرار دارد که همان صنعت فرهنگ و یا فرهنگ صنعتی Culture Industry شده نام دارد که یکی از کلیدی‌ترین واژه‌های مکتب فرانکفورت است. به بیانی روشن صنعت و تکنولوژی، فرهنگ را به صورت بسته‌هایی از پیش آماده شده (ایدئولوژی سرمایه‌داری) در اختیار عامه مردم قرار می‌دهند.

یکی از معروف‌ترین تألیفات در مکتب فرانکفورت در سال ۱۹۴۸ به نام «دیالکتیک روشنگری» Dialectic Enlightenment اثر مکس هورکهایمر و همکارش تئودور آدورنو است که در آن به نقش منفعل افراد در جامعه و تسلیم آن‌ها در برابر نظام سرمایه‌داری می‌پردازند. از جهتی دیگر این کتاب پاسخی از سوی این دو تن به دیدگاه‌های مثبت والتر بنیامین است. آن‌ها همچنین به توضیح سه استراتژی رایج جامعه سرمایه‌داری می‌پردازند که توسط آن‌ها فرهنگ تجاری می‌شود:

۱. کالاشدگی یا شیء‌شدگی Commodification، برای این اساس در جامعه سرمایه‌داری هر چیزی حتی جان انسان‌ها را می‌شود خرید، فقط قیمت آن فرق دارد.
۲. عامه‌سازی Massification تولید انبوه یک شیء یا کالا که مصرف آن همه‌گیر شود و یا تولید فراوان جنسی که مصرف‌کننده آن زیاد باشد.
۳. یکسان‌سازی Standardization استانداردسازی اشیاء و کالاها برای همه در همه جا به صورت یکسان. برای

مثال می‌توان به نمایندگی‌های مک دونالد در سراسر جهان اشاره کرد.

برای روشن شدن این سه استراتژی می‌توانیم به موسیقی پاپ اشاره کنیم که در آن رکود نداریم، زیرا با توجه به طرفداران این نوع موسیقی، آدم‌های جدیدی به عنوان خواننده پاپ به صورت مداوم خلق و به عامه مردم معرفی می‌شوند که در این وضعیت یک مخاطب موسیقی پاپ هیچ‌گاه با مشکل تکراری بودن ترانه‌ها و یا خواننده‌ها روبرو نخواهد شد. همچنین می‌توان عنوان کرد که این خواننده‌ها پس از مدتی برای همه مردم قابل دسترسی خواهند بود (عامه‌سازی شدن) و همین‌طور خود آن‌ها و آلبوم‌های‌شان که به صورت کالاهایی مصرفی برای مردم به شکل عام به بازار عرضه می‌شوند.

پس از گذشت نه سال از تأسیس این مکتب و با روی کار آمدن آلمان نازی، رهبران مکتب فرانکفورت و اعضای یهودی مذهب آن به دلیل داشتن عقاید مارکسیستی، مجبور به مهاجرت به ژنو (۱۹۳۴) و سپس به نیویورک در آمریکا (۱۹۳۵) شدند که این متفکران آلمانی تحت تأثیر جامعه سرمایه‌داری آمریکا قرار می‌گیرند، که در همین سال‌ها زمینه بسیاری از تفکرات و تألیفات آنان می‌شود. یکی از بهترین مثال‌ها برای روشن شدن مطالعه آن‌ها، موسیقی جز

Jazz در آمریکا است که در ابتدا یک موسیقی عامیانه (مختص سیاهان) بوده اما به تدریج به موسیقی نخبگان بدل می‌گردد؛ در سال ۱۹۴۱ مکتب فرانکفورت به کالیفرنیا منتقل می‌شود و در سال ۱۹۵۳ میلادی، پس از اتمام جنگ جهانی دوم، مجدداً به آلمان (فرانکفورت) نقل مکان می‌کنند. طرفداران نسل اول این مکتب عبارت‌اند از: مکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، اریک فروم، هربرت مارکوزه، فرانس نویمان و والتر بنیامین. نسل جوان‌تر مکتب فرانکفورت یورگن هابرماس و آلفرد اشمیت هستند. پس از مرگ آدورنو (۱۹۶۹) و هورکهایمر (۱۹۷۳) این مکتب تقریباً از بین می‌رود و هابرماس با تغییرات زیادی کار آن‌ها را دنبال می‌کند. این مکتب از نخستین سال‌های دهه ۶۰ میلادی نقش مهمی در زمینه بررسی و نظریه نقادانه به فریضه‌های علمی و آموزش و پرورش در چارچوب نومارکسیسم داشته، اصول اساسی مارکسیسم را نقض کرده و تئوری‌های روشنفکرانه به آن می‌افزاید. فریضات مکتب فرانکفورت:

فروش می‌شوند. از سویی دیگر تیم‌های ورزشی صاحب‌نام نیز، هدف منافع سیاسی و اقتصادی مافیای گروه‌های شبیه آن می‌شوند. جابر سالم وزنه‌بردار قطری که اصالتاً اهل بلغارستان است نمونه بارز این مسئله است. او که حتی نمی‌تواند به عربی صحبت کند در ازای دریافت سالی چند میلیون دلار تابعیت کشور قطر را پذیرفته است و به غیراز جابر سالم، دوندگان آفریقایی بسیاری که در سال‌های اخیر تابعیت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را پذیرفته‌اند مثال خوبی برای این ادعا هستند. متأسفانه در سال‌های اخیر برخی از قهرمانان ما نیز درگیر این‌گونه مسائل شده‌اند و در تبلیغات سودجویانه کالاهای تجاری شرکت‌های خارجی شرکت کرده‌اند که این مسئله باعث شده از محبوبیت آن‌ها تا اندازه قابل ملاحظه‌ای کاسته شود.

\* سیدشهاب‌الدین ساداتی دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی

کلیدواژه‌ها: ۱. مادی‌گرایی فرهنگی Cultural Materialism ۲. بیگانه‌سازی Alienation ۳. صنعت فرهنگ Culture Industry ۴. کالاشدگی Commodification ۵. عامه‌سازی Massification ۶. یکسان‌سازی Standardization  
منابع: ۱. Abrams, M.H., and Geoffrey Galt Harpham. A Glossary of Literary Terms. Boston: Thomson Wadsworth, 2005.  
2. Bertens, Hans. Literary Theory, the Basics. London: Routledge, 2005.  
3. Bressler, Charles E. Literary Criticism. Fourth Edition. New Jersey: Prentice Hall, 2001.  
4. Cuddon A. J. The Penguin Dictionary of Literary Terms and Theory. London: Penguin Books, 2007.  
5. Daiches, David. Critical Approaches to Literature. Second edition. New York: Longman Inc., 1981.  
6. Green, Keith. Critical Theory and Practice: A Course Book. London: Longman Inc., 1981.  
7. Guerin L. Wilfred. A Handbook of Critical Approaches to Literature. New York: Routledge, 1996.  
8. Hawthorn, Jeremy. A Glossary of Contemporary Literary Theory. New York: Harper and Row, 1978.  
9. Lodge, David. Modern Criticism and Theory, a Reader. New York: Chapman and Hall Inc., 1994.  
10. Osby, Ian. The Wordsworth Companion to Literature in English. London: Pearson Education Inc., 2000.  
11. Wolfreys, Julian. Literary Theories: A Reader and Guide. New York: Cambridge University Press, 1992.  
New York University Press, 1999.

۱. مکتب فرانکفورت با اصطلاحاتی همانند پسامارکسیسم، نومارکسیسم، چپ نو، مارکسیسم فرهنگی و از همه مهم‌تر نظریه نقادانه Critical Theory مرتبط و یا هم‌معنی بوده است.  
۲. مکتب فرانکفورت مطالعه فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها را به جای مطالعه مطلب «طبقه» در مارکسیسم سنتی قرار می‌دهد.  
۳. ریشه نظریات مکتب فرانکفورت در مورد مطالعه فرهنگ، در زیربنای اقتصادی است. به عبارتی دیگر فرهنگ برای آنان باید بر اساس روابط آشکار و یا پنهان اقتصادی و سیاسی تفسیر شود.  
۴. تأثیر دوم مکتب فرانکفورت از مارکسیسم سنتی در مطلب بیگانه‌سازی Alienation است. سرمایه‌داری مدرن مهارت (اعتماد به نفس) را از بین می‌برد. و فرهنگ فردی را خفه می‌کند و برای مردم عامی تفاوت بین دنیای واقعی و خیالی را با استفاده از صنعت فرهنگ از بین می‌برد (قدرت انتخاب را از مردم عامی سلب می‌کند که باعث می‌شود

ایدئولوژی سرمایه‌داری را بدون مقاومت بپذیرند و کالاهای آن را مصرف کنند).  
۵. فرهنگ هم همانند دیگر کالاهای تجاری، تابع روابط سرمایه‌داری تولید است. به عبارتی دیگر فرهنگ نیز همانند کالاهایی بسته‌بندی شده در اختیار عامه مردم قرار می‌گیرد.  
۶. فرهنگ با سه استراتژی کالاشدگی، عامه‌سازی (توده‌سازی) و یکسان‌سازی، صنعتی و تجاری می‌شود.  
۷. تکنولوژی یا تولید فرهنگ عامه افراد را عادت به تفکر و رفتار یکسان می‌کند و همچنین آن‌ها را با الگوهای مسلط جامعه همراه می‌کند.  
۸. نظریه صنعت فرهنگ، تولید کالاهای انبوه و فردیت‌های همگن شده در جامعه را شامل می‌شود. در نتیجه آدم‌های همونیزه (همگن و یکدست) به وجود می‌آید.  
۹. فرهنگ عامه علائق، آرزوها، رؤیایها، ترس‌ها، اشتیاق‌ها و میلی سیری‌ناپذیر به محصولات مصرفی ایجاد می‌کند.